

### نسخه خطی بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

دکتر هاشم رجب زاده\*

#### چکیده

بیان الحقایق از جمله آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. بنا به آنچه مؤلف خود در مقدمه کتاب دیگرش لطایف الحقایق اشاره کرده، این اثر در بردارنده هفده رساله است. این رساله‌ها کلامی و بیشتر در تفسیر قرآن نگارش یافته، و منظور مؤلف از نگارش آنها آشتی دادن میان فلسفه و کلام است. نسخه‌ای ناقص از بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است که در سده هشتم هجری کتابت شده و در بردارنده ده رساله از هفده رساله بیان الحقایق است. در برخی از منابع، رساله‌های بیان الحقایق در بیست عنوان فهرست شده است. در این گفتار، به معرفی نسخه خطی بیان الحقایق (محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) پرداخته شده است.

کلید واژه: بیان الحقایق، رشید الدین فضل‌الله همدانی، آرای کلامی.

از آثار نفیس و ارجمند فرهنگ و اندیشه ایرانی که تاکنون تقریباً ناشناخته مانده و حوادث روزگار آن را زیر غبار فراموشی نهان داشته، کتاب بیان الحقایق اثر گرانقدر

\*. استاد دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی طبیب، وزیر و دانشی مرد نستوه نیمه دوم سده هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری است. او این نوشته خود را به صورت کتابی مستقل و مرگب از هفده یا بیست رساله کلامی، بیشتر در تفسیر قرآن مدون ساخته، و چنانکه خود یاد کرده کوشیده است تا میان فلسفه و کلام آشتی دهد.

این هم طنز تاریخ و نمونه بدعهدی زمانه است که آثار رشیدالدین فضل‌الله، که چنان شایق حفظ و ماندگاری آنها بوده که همه تدبیر و قدرت و امکان خود را در این راه مصروف داشته، بتمام بازنمانده؛ و آنچه هم از گذر تندباد حوادث و پیشامدهای ایام سلامت جسته و به روزگار ما رسیده، با همه اهمیت و قدمت آنها هنوز همه به «زیور» طبع آراسته نشده و هر پاره‌ای از آن در گوشه‌ای و سرزمینی پراکنده مانده و گرد روزگار از چهره آن زدوده نشده است.

کتاب بیان الحقایق رشیدالدین فضل‌الله از جمله آثار این دولتمرد دانش پرور فرزانه است که مردم کتابخوان و حتی بیشتر اهل علم و فلسفه جز نامی از آن نشنیده و کسانی از فهرست نویسان و نسخه شناسان این کتاب ارجمند را اثری از دست رفته دانسته‌اند. نگارنده این سطور که از همان سالهای دانشجویی با آثار رشیدالدین فضل‌الله و بیشتر تاریخ‌نویسندگان او الفت و آشنایی داشت، چندسالی پیشتر از وجود نسخه‌ای از کتاب بیان الحقایق در کتابخانه مجلس شورای اسلامی آگاه شد و با دریغ فراوان دریافت که این نسخه که در معرفی فهرست نویسانه متنی نسبتاً کامل معرفی شده بود، بیش از حدود یک سوّم این اثر ارجمند را حاوی نیست. پس پی‌جوی آن شد تا به هر راه ممکن بخش‌های مفقود این نسخه را بیابد، که این تلاش چند ساله خود داستانی دیگر دارد. در اینجا به معرفی نسخه خطی بیان الحقایق محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره کنونی آن ۱۳۲۹ و شماره قدیم ۹۴۴۰، و ثبت شده به شماره ۸۵۸۷۸) بسنده می‌کند.

در اینجا بایسته می‌داند که امتنان قلبی و عمیق خود را از جنابان آقایان ابهری (ریاست محترم کتابخانه مجلس) و حائری و جنابان آقایان مرعشی و سید منصور طباطبایی که با اجابت درخواستم اجازه عکسبرداری از نسخه را دادند و در مراجعه بعدی برای دیدن جزئیات ناپیدا در عکس و کپی کتاب، نسخه اصلی را در اختیارم گذاشتند، و از دیگر اعضای فرهیخته کتابخانه که برای این مقصود یاریم دادند، ابراز دارم.

جدّ رشیدالدین، موّفق‌الدولّه همدانی، با خواجه نصیرالدین طوسی در قلاع اسماعیلیان قهستان سر می‌کرد، و پس از تسلیم این قلاع به لشکر هولانگو (۶۵۴ ه. ق) به خدمت مغول درآمد، و این خانواده در خدمت ایلخانان می‌گذرانند و کار دیوانی داشتند. رشیدالدین نیز مانند بسیاری دیگر از دولتمردان با فن طبابت ندیم پادشاه شد و مرتبه و جاه و مال یافت.

درباره شروع اعتبار و ترقّی رشیدالدین در دستگاه حکومت ایلخانان گفته‌اند که او در عهد اباق‌خان (۶۶۳ تا ۶۸۰ ه. ق) منظور نظر عنایت و از مقرّبان پادشاه شد، و در عهد ارغون‌خان (۶۸۳ تا ۶۹۰ ه. ق) مرتبه‌اش ترقی یافت، و چون گیخاتوخان (۶۹۰ تا ۶۹۴ ه. ق) برنشست، به واسطه طبییی و ندیمی پادشاه پایه بلند و مرتبه ارجمند یافت؛ و چون غازان خان (۶۹۴ تا ۷۰۳ ه. ق) پادشاه شد، او را تصدّی کارهای خطیر داد. صدرالدین زنجانی وزیر چون رشیدالدین را رقیب خود می‌دید، قصد او را بر میان بست، و در این منازعه رشیدالدین غالب آمد و غازان خان فرمان به قتل صدرالدین داد و وزارت خود را به رشیدالدین سپرد (۶۹۷ ه. ق) و نیز او را به تدوین جامع التواریخ مأمور ساخت. در عهد اولجایتوخان (۷۰۳ تا ۷۱۶ ه. ق) نیز رشیدالدین در وزارت برجای بود، و به هر تدبیر بر توطئه‌های حاسدان و مدعیان و بدخواهان غالب آمد؛ اما یکسال پس از برنشستن ابوسعید ایلخان (۷۱۶ تا ۷۳۶ ه. ق) توطئه تازه‌ای علیه رشیدالدین، که تاج‌الدین علیشاه شریک او در وزارت زمینه‌ساز و پی‌گیر آن بود، درگرفت که به عزل و سپس قتل این وزیر دانشمند انجامید (جمادی الاول ۷۱۸ ه. ق). رشیدالدین در آغاز رساله اول از بیان الحقایق (رساله سؤال سلطان) در اشاره به احوال خود نوشته است:

هرچند این بنده ضعیف به توفیق ایزدی از سنّ صغر تا اکنون که عمر او به شصت و دو سال رسیده ملازمت حضرت پادشاهان کرد، و به هرنوع از پرتو نور درون پادشاهانه ایشان - أنار الله براهینهم - فایده‌های بی‌شمار یافت، و صحبت و خدمت مشایخ بزرگ و علما و حکما دریافت، و به قدر استعداد از خدمتشان مستفید شد، و از پدر و خویشان خود از علمومی که دانستند بهره‌مند شد، و اکنون در وقت بحث و کشف حقایق با علما و حکمای عصر کلمه‌ای تواند گفت و از عهده بعضی مسائل بیرون تواند آمد (برگ ۱ رو).

مرحوم مجتبی مینوی که روایت عربی بیان الحقایق متعلّق به قلیچ پاشا و محفوظ در

کتبخانه سلیمانیه در ترکیه را دیده بوده، با توجه به تاریخ این نسخه که ۷۱۱ ه. ق است و نوشته رشیدالدین که در آغاز کتاب بیان الحقایق گفته که شصت و دو سال هلالی دارد، نتیجه گرفته که ولادت او در حدود سال ۶۴۸ ه. ق بوده است (مقاله «خواجه رشیدالدین وزیر»، نقدحال (مجموعه مقاله‌های مجتبی مینوی)، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۳۸۷).

### مشخصات نسخه مجلس

قطع این کتاب رحلی و با کاغذ سمرقندی است که با نظر کارشناسی ساخت سده هشتم هجری تشخیص داده شده است. اندازه برگها حدود ۳۵ (طول) در ۲۵/۲ سانتیمتر (عرض)، و قطع نوشته روی آن ۲۵/۵ در ۱۸ سانتیمتر و شماره سطرها ۲۳ است.

بهره‌های آغاز و انجام این نسخه پیش از شماره‌گذاری برگهای آن (از ۱ تا ۱۸۴) مفقود شده بوده، اما پیداست که پس از شماره‌گذاری و احیاناً پیش یا پس از تجلید یا تجلیدهای بعدی آن نیز برگهایی از آن افتاده، زیرا آنچه هم از نیمه اول این کتاب بازمانده ناقص است و در چند جا افتادگی دارد، و نیز در صحافی تازه کتاب، برگهایی جابه جا شده است. به شرح زیر:

- در شناسنامه کتاب، شماره برگهای آن ۱۸۴ یاد شده، اما در نسخه بازمانده برگهای زیر مفقود است: ۵۱ تا ۶۰؛ ۷۹ تا ۹۸؛ و ۱۶۹ تا ۱۷۹.

برگهای زیر هم در صحافی کتاب جا به جا شده و پس و پیش قرار گرفته است:

- برگ ۴۱ بعد از برگ ۲۰ کتاب جا گرفته است.

- برگ ۲۷ برعکس گذاشته شده، و در طرف عطف کتاب آمده است.

- برگهای ۱۳۸ تا ۱۴۸ در جای خود نیامده، و بعد از برگ ۱۵۷ قرار گرفته است.

- برگی که ۱۶۵ شماره گذاری شده است، باید ۱۶۷ باشد.

با ملاحظه اصل نسخه، دیده شد که در جاهایی با قلم دیگر به متن افزوده شده، که از آن میان است در برگهای ۶۹ رو، و ۱۱۴ و ۱۲۶ پشت و ۱۴۷ رو، که در هر یک جمله یا عبارتی در حاشیه چپ صفحه اضافه شده است. در زیر برگ ۱۴۴ پشت، جای چند سطر سفید مانده، و پیداست که نوشته از برگ پاک شده، به این صورت که پوسته‌ای از کاغذ در اینجا کنده و برداشته شده است.

### حجم نسخه موجود

مرحوم محمدتقی دانش پژوه در مقدمه سودمند خود بر کتاب سوانح الافکار (مکاتیب) رشیدالدین فضل الله، در دنباله فهرست و شرح آثار رشیدالدین افزوده است: «از اوست بیان الحقایق که نگارش فارسی آن را در مجلس تهران دیده‌ام به شماره ۹۴۴۰ (۸۵۵۷۸ / ۱۳۲۹) از سده ۸ گویا، اصل و به نسخ با عنوانهای شنگرف در ۱۸۴ برگ، و آغاز و انجامش افتاده. نخست فهرست است، سپس رساله ۵ تا رساله ۲۰، و دنبال رساله پنجم پرسشهای دانشمندان است. باب یکم تحقیق در مباحث آواز خوش و توجیه سخن بقرات در این باره. رساله هفدهم آن در ناسخ و منسوخ است. در آن از اینکه در ج ۱ / ۷۰۹ دانشمندانی همراه رشیدالدین بوده و از او می‌پرسیده‌اند، یاد شده است. رساله بیستم آن ارشاد الاولاد رشیدی است که پند اوست به فرزندان خود که دیگران را هم سودمند است. (سوانح الافکار، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، ص ۹) در پایین همان صفحه، با عنوان «دو نسخه از نگارش رشیدالدین»، یکی را چنین شناسانده است: «۱. در خاورشناسی لنینگراد به شماره C375 نسخه اصل درست مانند وفیة بیان الحقایق مجلس و اسنله و اجوبه گلستان دارای فهرست کتابهای رشید و تقریظات نوشته عبدالعزیز بن محمود کرمانی در سؤال ۷۰۷ و با فواید و اسنله و اجوبه و نسب پیامبر و تاریخ انبیاء و نفایس الافکار». نسخه خاورشناسی سن پترزبورگ (لنینگراد پیشین) که شادروان دانش پژوه اشاره دارد، برابر اطلاعی که در پاسخ درخواستم از آن کتابخانه رسید، یکسره حاوی مطالب دیگری از نوشته‌های رشیدالدین و علمای زمان اوست.

چنین پیدا است که مرحوم دانش پژوه این معرفی را با اکتفا به ملاحظه شناسنامه کتاب در آغاز آن نوشته و چندان فرصت توڑق نسخه را نیافته است؛ زیرا می‌بینیم که این نسخه فقط تا میان رساله دهم (از هفده یا بیست رساله بیان الحقایق) را دارد، و آن هم با افتادگی‌های فراوان. برگهای آغازین این نسخه هم، شامل عنوان کتاب و احیاناً مقدمه آن و فواید (= فهرست مطالب) رساله‌های اول و دوم و ابتدای رساله سوم افتاده است، و متن (برگ ۱ رو) از فایده (یا مبحث فرعی) هفتم مبحث چهارم از رساله سوم، که در پاسخ به «سوالات علما» است، آغاز می‌شود.

### فصول و مباحث بیان الحقایق

«فهرست کتاب جامع التصانیف رشیدی» که رشیدالدین فضل الله در آغاز کتاب

لطایف الحقایق آورده (چاپ شده به کوشش غلامرضا طاهر، دانشگاه تهران، دو جلد، ۱۳۵۳ و ۱۳۵۷، ج ۲، صص ۴ - ۱۰) به احتمال بسیار دربرگیرنده همه یا نزدیک به همه آثار مدوّن اوست. کتابهای خود را در دو قسم نهاده که قسم اول شامل مباحث شرعی و حکمی و معارف و مطالب نظری است و قسم دوم در تواریخ و حکایات و صور اقالیم یا جغرافیا و بعضی مباحث علمی. مؤلف در پی این تقسیم بندی فهرست قسم اول آثار خود را در دو باب یاد کرده است:

- باب اول: چهارکتاب، که آن را «مجموعه رشیدی» نام نهاده است، شامل توضیحات، مفتاح التفاسیر، سلطانیه و لطایف.

- باب دوم: «کتابی که مفرد است و مجموعه ساخته شده، و آن دو کتاب بیان الحقایق و آثار و احیاء است».

در همان مأخذ، فهرست کتاب بیان الحقایق در ۱۷ رساله برشمرده شده است، به ترتیب زیر:

رساله اول: سؤال سلطان.

رساله دوم: نصیحت سلطان.

رساله سوم: سوالات علما.

رساله چهارم: تفسیر آیه ﴿ولو شننا لآتینا﴾.

رساله پنجم: تفسیر آیه ﴿ولو علم الله فیهم خیراً﴾.

رساله ششم: تفسیر سوره ﴿إنا أنزلناه﴾.

رساله هفتم: در بیان حقیقت الوان؛ و تفسیر آیه ﴿الله نور السموات﴾.

رساله هشتم: در «حروف» و تحقیق مباحث آن.

رساله نهم: در بیان فواید زیارت مشاهد تربت‌های بزرگان.

رساله دهم: در نصیحة الاخوان.

رساله یازدهم: در تحقیق سبب جدری و اعتراضات بر آنچه اطبا گفته‌اند.

رساله دوازدهم: در بیان حرارت و انواع آن.

رساله سیزدهم: ذیل نفایس الافکار، در بیان دوام خلود در بهشت و دوزخ.

رساله چهاردهم: در بیان حقیقت خرقة و مناسبت نسبت به امیرالمؤمنین - کرم الله

وجهه.

رساله پانزدهم: در شرح حدیث «أنا مدينة العلم و علیّ بابها».

رساله شانزدهم: در شرح معقول و منقول.

رسالة هفدهم: در ناسخ و منسوخ.

چنانکه یاد شد، در پاره‌ای منابع دیگر، رساله‌های بیان الحقایق در بیست عنوان فهرست شده، و در نسخه مجلس نیز با آنکه فقط تا میان رساله دهم از آن بازمانده، عنوان مطالب و مباحث سه رساله دیگر در بخش فواید (فهرست) در آغاز کتاب آمده است، به شرح زیر:

- فواید رساله هشدهم از کتاب بیان الحقایق که موسوم است به رساله تحقیق لذات و مشتمل است بر آنکه لذات دنیوی را برخلاف گمان اکثر بقایی نمی‌باشد و لذات اخروی همه نتیجه لذات دنیوی تواند بود؛ و السلام (برگ ۳۹ رو).

- فواید رساله نوزدهم از کتاب بیان الحقایق که موسوم است به رساله لطایف طیبی، مشتمل بر فواید بسیار که از حال معالجات وجع المفاصل به تجربه مصنف را معلوم شده. (برگ ۴۱ پشت).

- فواید رساله بیستم از کتاب بیان الحقایق که موسوم است به ارشاد الاولاد رشیدی و مشتمل بر نصایح و وصایایی که مصنف اولاد خود را کرده بر وجهی که عموم را نیز مفیدست. (برگ ۴۱ پشت).

ویژگیهای نگارشی و رسم الخط این نسخه

پاره‌ای از این ویژگیها فهرستوار، یاد می‌شود:

- به شیوه نگارش آن روزگار، های فارسی پس از کلمه‌هایی همچون «چه» و «که» حذف شده است؛ مانند آنک، چنانک، چنانچ (که امروزه آنکه، چنانکه، و چنانچه می‌نویسند).

- مثلاً چنانک (= برای ذکر نمونه) با همین ترکیب و بارها در رساله‌ها نوشته شده است.

- عدد ۱۸ را هزده و هشده و هجده، به هر سه صورت، نوشته است.

- نون نفی را در جلو فعل به صورت نون و های جدا نوشته است، مانند نه بیند، نه

پیوندد، نه باشد، نه پندارند، به جای نبیند، نپیوندد، نباشد و نپندارند.

- بعضی لفظ‌های عربی منتهی به تاء را به صورت اصلی آن با های منقوط نوشته

است؛ مانند شدة آفتاب.

- حرف اضافه «به» را گاه به صورت «با» نوشته است، چنانکه در «با خاطر آمد» و با

یاد آمد (به جای به خاطر آمد و به یاد آمد).

- مسئله و مسأله، به هر دو صورت نوشته است، و بیشتر به صورت اول.  
- به رسم معمول زمان، در این متن بیشتر «ش»ها نقطه ندارند، و «گ» نیز همه جا «ک» نوشته شده، و به جای «پ» ب آمده، و نیز «ب» در واژگان فارسی گاهی به «ف» بدل شده است (مانند زفان به جای زبان).  
- به جای یاء وحدت یا نکره بعد از اسم همزه آمده (مانند خانه به جای خانه‌ای)، و گاه همزه هم نوشته شده است.  
- در بسیاری جاها معدود را پس از عدد به صورت جمع آورده است، مانند چهار اقسام (برگ ۶۲ پ) و چهار عناصر (۱۴۸ پ) و پنج حواس (۷۴ الف).  
- ویژگیهای دیگر نثر آن روز نیز در این نوشته پیداست؛ چنانکه برای قورباغه، بزغ نوشته است (به جای وزغ).  
- از ترکیب‌های زیبای متداول در آن زمان نیز در این اثر می‌بینیم، مانند: زمستانگاه و تابستانگاه (به جای قشلاق و بیلاق)، سبکساری (به معنی خواری و فرومایگی)، در روز (= زود)، تابخانه گرم (= گرمخانه برای پروردن سبزی).

